

وضعیت امور خیریه‌ی اردبیل در عصر قاجار

الهام ملک زاده^(۱)

اردبیل، پس از تبریز دومین شهر تاریخی و اقتصادی منطقه شرقی آذربایجان ایران محسوب می‌شود. (۲) در حال حاضر از نظر موقعیت جغرافیایی، مرکز استان اردبیل، در شمال شرق آذربایجان شرقی در ۳۶° و ۱۵° عرض شمالی و ۴۸° و ۲° طول شرقی گرنویچ قرار دارد. (۳)

از شمال، در ۲۰ کیلومتری مرز ایران و جمهوری آذربایجان، و از شرق به کوه‌های طالش، آستارا و هشتپر، از جنوب به خلخال، از مغرب به کوهستان سیلان و رود قره‌سو محدود است. ارتفاع آن از سطح دریا، ۱۳۵۰ متر می‌باشد. (۴)

اردبیل، از شهرهای بسیار قدیمی و مهم ایران است. نام این شهر، در شاهنامه بیش از دیگر مناطق آذربایجان ذکر گردیده است. به روایت شاهنامه، در عصر کیانیان، دژ بهمن در نزدیک اردبیل بود. کیخسرو پس از فتح آن، آتشکده آذرگشسب را در



ایجاد این شهر را، به فیروز ساسانی (۴۵۹-۴۸۳ م.) نسبت داده‌اند. اردبیل، در عهد ساسانیان و اوایل دوره اسلامی، مرکز آذربایجان و در دوره خلفای عباسی، از کانونهای مبارزه ایرانیان علیه اعراب بوده است. در دوره تیموریان و صفویان، خاستگاه حرکت‌های سیاسی ایران و نهضت تشیع بود که به تشکیل حکومت صفویه منجر شد. اردبیل، مدتها پایتخت ایران بود و در روزگار صفوی، به صورت زیارتگاه و پناهگاه مجرمانی درآمد که به بقعه شیخ صفی روی می‌آوردند. (۶)

در زمان سلطنت فتحعلی شاه و در سال ۱۲۱۸ ق.، جنگ بین ایران و روس در گرفت و قوای روسیه، در خاک ایران پیشروی کردند و اردبیل را به تصرف درآوردند. اردبیل، تا انعقاد عهدنامه ترکمانچای (۱۲۴۵ ق.) در اشغال قوای بیگانه بود. در این مدت تمامی آثار و اشیای قیمتی و نادر مقبره شیخ صفی‌الدین و زینت‌آلات دیگر مقابر و کتب خطی نفیس و بی نظیر کتابخانه اردبیل (وقف شاه عباس)، غارت شد و بعدها از موزه‌های مسکو و لنینگراد سر درآورد. (۷) در سال ۱۲۵۲ ق.، طاعونی در اردبیل شیوع یافت و جمعیت آن را بسیار کاهش داد. (۸)

با انتقال امور ولعهد به تبریز، این شهر از رونق افتاد؛ ولی به واسطه وجود دژ «نارین قلعه»، به تبعیدگاه سیاسی مخالفان حکومت و مدعیان سلطنت تبدیل شد و بزرگان و شاهزادگان زیادی بدانجا تبعید شدند و به مفهوم صحیح‌تر حکمرانی اردبیل نیز، به معنای تبعید و تنبیه شخص حاکم تلقی می‌شد و چشمان ناپیدایی، اعمال و حرکات آنان را تحت نظر گرفته، به مرکز گزارش می‌داد. این «نارین قلعه»، در عصر فتحعلی شاه تعمیر و بر اساس نقشه افسران فرانسوی گاردان ساخته شد. خندق‌هایی نیز پیرامون دیوارهای جدید حفر شد که دژ را به محکم‌ترین قلاع ایران تبدیل نمود. (۹)

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه (ذیحجه ۱۳۰۹ ق. و محرم ۱۳۱۰ ق. برابر با تیر و مرداد ۱۲۷۱ ش.) اردبیل، شاهد روزهای سخت و مصیبت‌باری بود. بروز وبای موخس و عظیمی که تعداد کثیری از مردم را هلاک کرد، موجب وحشت اهالی شده، هر خانه‌ای را داغدار عزیزی نموده بود. بر پایه یادداشتهای محسنی (۱۰)، تعداد تلفات این بیماری به روزی ۴۵۰ نفر و گاهی ۷۰۰ نفر بالغ می‌شده است. این آرقام، تنها به نقل از گورکها بوده و از میزان واقعی قربانیان، آماری متقن در دست نیست. در زبان ترکی به وبای، «اوماجا» گویند. لذا آن سال در آن منطقه به واسطه بروز وبای، «سال اوماجا» نامیده شد و چون در تاریخ اردبیل واقعه مهمی محسوب می‌شد، برای ذکر وقایع بعدی، مبدأ تاریخی گردید. اهمیت این واقعه، به اندازه‌ای بود که قتل ناصرالدین شاه را در این ولایت چهار سال بعد از سال «اوماجا» ذکر کرده‌اند. (۱۱) پس از قتل ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ ق.) اردبیل، شاهد حوادثی همچون طغیان بعضی از عشایر و بی‌نظمیهای حوالی مغان و اطراف اردبیل بود که در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه روی داد؛ ولی به امر شاه جدید و با اعزام عده‌ای سرباز از تبریز سرکوب شد. با برکناری علی‌خان والی (۱۳۱۵ ق.) صمدخان شجاع‌الدوله به حکومت اردبیل منصوب شد. (۱۲)

در آن دوره، با توجه به رشد تفکرات اصلاح طلبانه، مردم به فرهنگ جدید و برپایی مدارس با اصول نو علاقه‌مند شده، کم و بیش طرفداران این تفکر کارهایی انجام می‌دادند. در عین حال با مخالفت برخی خشک‌اندیشان، برای هر حرکت جدید جوی نامساعد وجود داشت و در برابر هر حرکت نو فرهنگی، حکم تکفیر مرتکب آن صادر می‌شد. (۱۳)

در سال ۱۳۲۲ ق. محمدولی خان تنکابنی، به مدت یک سال به حکومت اردبیل منصوب و در واقع به آن جا تبعید شد. فضای فعالیت برای افراد خیر و طرفداران تمدن جدید، مهیا و با حمایت محمدولی خان اقداماتی انجام شد. مثلاً مقرر شد صاحب هر خانه، کوچه مجاور خود را سنگفرش کند و شبها بر در هر خانه، فانوس دیواری نصب شود که تا صبحدم کوچه را روشن نماید. محمدولی خان، اولین دبستان جدید را نیز با کمک برخی از روشنفکران و تجار اردبیل تأسیس نمود که به احترامش، نام آن را «نصریه» نهادند. (۱۴)

کودکان بیش از ۴۰ خانواده، با هدف فراگرفتن علم و دانش در این مدرسه ثبت نام کردند. اما پس از اتمام مدت حکومت محمدولی خان، مدرسه تعطیل شد. مدیریت مدرسه نصریه را، میرزا حسین رشیدی برادر رشیدی معروف به عهده داشت. وقتی که مدرسه از رونق افتاد، او نیز اردبیل را ترک کرد.

با مساعدت محمدولی خان، قدمهای اولیه پیشرفت برداشته شد. ولی متأسفانه با بروز وبای و کشته شدن روزانه بین ۷۰ تا ۷۵ نفر (۱۵)، خسارات سنگینی به بار آمد که جبران آن ساده نبود.

اردبیل در آستانه انقلاب مشروطه

در آستانه مشروطیت، اردبیل نیز، شاهد جنبشهایی بود. تحرکات صورت گرفته، شاید به اندازه فعالیت‌های تهران نبود، اما به دلیل آنکه هر امری تابع شرایط خاص خود می‌باشد، اردبیل نیز با توجه به اوضاع اجتماعی و محیط جغرافیایی، شرایط منحصر به خود را داشت و همین شرایط، اقدامات روشنفکرانه آن منطقه را تحت الشعاع قرار داد. بررسی اردبیل قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم، به دلیل شرایط اجتماعی آن برهه، زمینه تحلیل موقعیت حاکم بر جامعه آن روزگار را فراهم می‌کند. یکی از این شرایط خاص، اسکان قبایل آن خطه بخصوص شاهسونها (۱۶) در اطراف اردبیل می‌باشد که از دیرباز برای این شهر موقعیت خاصی به وجود آورده، آن ناحیه را به یک منطقه عشایری تبدیل ساخته است. (۱۷)

از سوی دیگر، نزدیکی اردبیل به اروپا (از طریق روسیه) و وضعیت جغرافیایی و بازرگانی آن به نسبت ایران آن روزگار و نواحی قفقاز، ارمنستان و ماورای آن. که نقش مهمی در تئور افکار آزادی‌طلبان و علاقه‌مندان به فرهنگ نو و تجددخواهی داشت. موجب آگاهی روشنفکران از نوع حکومت دولتهای آزاد دنیا، حقوق مدنی ملل و زندگی خصوصی شان می‌گردید.

با صدور فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی (۱۳۲۴ ق.)، آزادیخواهان اردبیل و روشنفکران آن دیار، فرصت یافتند تا فعالیت‌های خود را دوباره سامان دهند. زیرا از عوامل اختناق افکار این سامان، انتصاب حکام ستمکار و مستبدی بود که روشنفکران را با مشکل و سختی روبرو می‌نمود و مجبورشان می‌کرد در لوای انجمنهای رسمی گرد هم جمع شده، دست به اقداماتی بزنند و انجمن سری شعبه اردبیل را تأسیس نمایند.

در آن سال اردبیل، با خشکسالی شدیدی روبرو شد و از اوایل سال ۱۳۲۴ ق. / بهار ۱۲۸۵ ش. اکثر مناطق آذربایجان را در بر گرفت. قیمت گندم به هر من ۴/۵ قران رسید. این گرانی، بشدت زندگی مردم را تهدید نمود و آنها را در وضع بدی قرار داد. (۱۸) در این وقت تجار اردبیل، دست به امداد عمومی زده، افرادی همچون حاج میرزا محمد برادر آقامیرزا علی اکبر (۱۹)، حاج محمد جعفر صراف و اسماعیل بیگ شیروانی، آرد زیادی از روسیه وارد نموده، شهر را از یک قحطی بزرگ رهایی دادند.

رضازاده با اخذ اختیارات تام، تأمین نان مردم را به عهده گرفت و با موافقت امیرالسلطنه طی نامه رسمی کمیسیون مزبور، بلافاصله دست به کار شد و با تشکیل یک انجمن خیریه و اقدامات فوری آن انجمن، ازدحام مردم در جلو نانوایها کاسته شد و دکانداران نیز به کار خود بازگشتند. هر منطقه، مسئول تأمین نان خانوارهای همان منطقه شد. در نتیجه، آرامش نسبی بر مردم و ثبات و امنیت بر شهر حاکم شد. انگیزه تهیه آرد و غله مورد نیاز مردم کمیسیون را واداشت که تا پایان دوره قحطی، آن را تأمین نماید. برای رفع این مشکل، نیکوکاران و افراد خیر شهر به ریاست میرزابوک آقا و هابزاده از حزب دموکرات، به کمک در ماندگان شتافتند و دو بیست نفر از اطفالی را که پدر و مادر خود را در نتیجه قحطی از دست داده بودند، در خانه حاج یوسف لنگرانی در نزدیکی بازار حلبی سازها جمع کرده، به نگهداری شان پرداختند و در هر کوی و برزن برای نگهداری بینوایان و بزرگان، کمیسیونهای تشکیل دادند. (۲۵)

رسول و هابزاده نیز، یکصد نفر از فقرا را مدتی نگهداری کرد. مختار احمدزاده (۲۶) از آزادیخواهان اردبیل - که بعد از شکست حاج باباخان از امیرالسلطنه، رئیس بلدیة شهر شده بود - عده ای دیگر از این در ماندگان را تکفل نمود. بعضی از خانواده ها از سر استیصال، خود را به کشتارگاهها رسانده، با مشکل زیاد مقداری خون گاو و گوسفند تهیه می کردند و در ظرفهایی معروف به «سباح» روی آتش حرارت داده، می خوردند.

اقدامات حزب دموکرات در تشکیل انجمن خیریه (۱۳۳۶ق.)، محدود به مقطع بحرانی مذکور نشد. این واقعه و دیگر مصایبی که در شهر رخ داده بود، ضرورت وجود چنین تشکیلات جدیدی را برای آینده آن ولایت غیر قابل اجتناب کرد. این اتفاق، در عصری متفاوت با دوران گذشته صورت پذیرفته بود، و آشنایی با مظاهر تمدنی جدید، رنگ دیگری روی حوادث کشیده بود و شکل سازمان یافته ای را می طلبید که تا آن برهه، سابقه نداشت.

به همین مناسبت، این امر خیر متوقف نشد و فعالیتهای حزب دموکرات به صورت تشکیل دارالمساکین خیریه و تأسیس مدارس و جمع آوری اعانات محلی از تجار محلات مختلف اردبیل، به کار خود ادامه داد و با همکاری اداره مالیة ایالتی و برقراری ارتباط با وزارت داخله وقت، وجوهای زیادی جمع آوری و برای مصارف مختلف خیریه استفاده شد. علاوه بر آن، مقرر شد با تشکیل اداره معارف، فعالیتهای شتاب یابد و فقرا و ضعفا و نیازمندان را تحت پوشش خود قرار دهد.

در سندی به تاریخ فروردین ۱۳۰۳ ش. ۱۳۳۸/۱ ق. مخارج دارالمساکین خیریه این شهر، همراه تاریخچه ای از تشکیل آن، شرح اقلام مختلف خوراکی و رفاهی، از نان سنگک و پنیر و گوشت گوسفند گرفته تا شش رشته چاه مبال و استکان نعلبکی و دفترچه کاغذ و جوهر، گزارش شده است؛ همچنین حقوق مدیر و مستخدم و معلم و قیمت اقلام فوق الذکر و جمع کل آن، که به امضا و مهر مدیر دارالمساکین مزبور (هیئت خیریه اردبیل) رسیده است و در پایان آن، مهر کابینه ایالتی آذربایجان خورده است. (۲۷)

سند دیگری به تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۴ ش. ۱۳۳۹/۱ ق. (۲۸)، حاکی اطلاعاتی است که کفیل ایالات آذربایجان، «میقاتی» طی نامه ای به وزارت داخله گزارش کرده است. در این گزارش، شرح مبسوطی از هزینه یکصدوسی نفر از فقرا و ضعفای اردبیل - که حکومت مرکزی، اول هر برج خواسته بود - آورده شده است. در دوم آبان ۱۳۰۴ ش. ۱۳۳۹/۱ ق.، وزارت داخله به وزارت مالیه نوشته است که وصول و مصرف وجوهی که اهالی برخی ایالات جهت کمک به معارف، مدارس و امور خیریه می پردازند را بررسی کند. ضمناً خاطر نشان ساخته که

این سال را «جفته نیلی» (سال جفته) نامیده اند. زیرا علامت روی کیسه های آرد، به شکل «جفت» یا «جفته» بوده است.

بر اساس نوشته های محسنی، در این عمل خیر، ابتدا آرد را جیره بندی نمودند. فردی به نام میر محمود محمدزاده برای توزیع و نظارت در پخت آن، از سوی انجمن انتخاب شد. بعدها که اکثر تجار اردبیل به وارد کردن آرد مبادرت کردند، این محدودیت رفع شد. اما بیماری طاعون - که در شرق ایران بخصوص سیستان شایع شده بود - به اردبیل نیز سرایت کرد و عده زیادی را هلاک نمود. (۲۰)

پس از سقوط محمدعلی شاه (۱۳۲۷ق.) شاهسونها و طوایف قراجه داغ، به اردبیل حمله بردند و آن شهر را غارت کردند. اقدام شاهسونها به «چاپقون» (چاپاول) معروف شده، مبدأ تاریخی سالخوردگان شد. سردار رشید حاکم اردبیل، با فراهم نمودن نیرویی به مدافعه شهر پرداخت. (۲۱) عمق فاجعه غارت اردبیل و فلج شدن شهر، به حدی بود که بازتابی جهانی یافت و در لندن و پاریس، تیر درشت صفحات اول روزنامه ها به غارت اردبیل اختصاص داده شد (۲۲) قتل و غارتی که به دنبال خود، آشفتگی شدید معیشتی مردم اردبیل را به همراه داشت.

قبل از اشاره به حادثه مهم سال ۱۳۳۵ق. اردبیل، لازم است بیان شود که در تاریخ اردبیل، کم و بیش نیکوکارانی حضور داشته اند که گاه، به شکل بازوی هیئت حاکمه (محمودولی خان تکابانی) و گاه به صورت اهرمهای مردم (تجار)، به مصیبت زدگان و نیازمندان کمک کرده اند و در واقع به عنوان مؤسسات کمک رسانی (باتوجه به شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه)، به طور مقطعی ایفای نقش می نمودند.

مجاعة «قحطی» سال ۱۳۳۵ ق.

در جریان خشکسالی سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ ق. (مقارن جنگ جهانی اول)، اشغال قسمتی از ایران به دست متفقین و ضعف دولت مرکزی و همچنین باز بودن سرحدات، موجب قحطی و کمبود خواربار، غلات و مایحتاج مردم گردید. زیرا نیروهای بیگانه برای تأمین غذای سربازان خود، آذوقه مردم را به زور می گرفتند. قهر نه ماهه طبیعت و نبود بارندگی، به مشکلات دامن می زد و کشتزارها از بی آبی خشک شده بود. کمبود و گرسنگی، موضوع روز بود. خشکیار و دانشگاهها (حبوبات) هم نایاب شد و چون نایره جنگ جهانی، کشورهای همسایه را هم در آتش جنگ و انقلاب می سوزاند، قحطی و گرسنگی هم همگانی شد و آنها نیز باین معضل دست و پنجه نرم می کردند.

اقدامات خیریه حزب دموکرات

با کساد بازار و کسب و کار، اکثر مردم اردبیل بیکار شدند و تمام تلاشهای حکومت منطقه در این زمینه ناکام ماند. مشیرالسلطان حاکم اردبیل، مستعفی شد و امیرالسلطنه به جای او به حکومت رسید. در همان زمان، فرقه دموکرات و اتحاد اسلام، با هم درگیر شدند. حاکم نیز، در این منازعات مداخله کرد. او، با غلبه بر حریف در قلعه مستقر شد و چون به تنهایی نتوانسته بود در رفع نیازمندیهای مردم و حل مسئله قحطی اقدامی بنماید، با همکاری اعضای حزب فرقه دموکرات، کمیسیونی (۲۳) متشکل از چهل و چهار نفر از سران دموکرات تشکیل داد که افرادی همچون: ابوالفضل رضازاده، میرزابوک آقا و هابزاده، حسینعلی تبریزی (۲۴) و میرعباس محسنی در آن حضور داشتند و در مورد تأمین نان مردم، تصمیماتی اتخاذ نمودند. این افراد با وجود تفکرات سیاسی، چون ذاتاً افرادی مسلمان و ایرانی بودند، تصمیم گرفتند برای کمک به هموعان خود، دست یاری طلبی امیرالسلطنه را بفشارند و در برابر وضعیت موجود، منشأ اثر خیری شوند.

- ۸- طاهری، ابوالقاسم: جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران و آذربایجان از نظر جهانگردان، نشر شورای مرکزی، تهران ۱۳۴۷، ص ۱۲۳.
- ۹- صفری، بابا: اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج ۱، نشر دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل، ص ۱۶۲؛ مرآت البلدان، ج ۱، ص ۴۰؛ هدایت، رضاقلی خان: روضه الصفا، ج ۱۰، خیام مرکزی، تهران ۱۳۳۰، ص ۶۴.
- ۱۰- میرزاعباس محسنی معروف به «شالمانف»: از روشنفکران اردبیل بود که شغل نویسندگی داشت. وقایع دوره حاضر را در کتابچه‌ای باخط خوش نوشته است که در این پژوهش، از آن استفاده زیادی شده است.
- ۱۱- اردبیل در گذرگاه تاریخ، ص ۱۶۴.
- ۱۲- بامداد، مهدی: شرح حال رجال ایران، ج ۲، نشر زوار، تهران ۱۳۷۱، ص ۱۸۰.
- ۱۳- اردبیل در گذرگاه تاریخ، ص ۱۷۹.
- ۱۴- قاسمی، پویا، اقبال: مدارس جدید در دوره قاجاریه، ج ۱، مرکز نشر دانشگاهی تهران ۱۳۷۷، ص ۳۷۴.
- ۱۵- همان کتاب، ص ۱۸۱.
- ۱۶- شاهسون، کلمه‌ای فارسی. ترکی است به معنی «دوستاندار شاه». شاهسونها، زندگی چادر نشینی و گله‌داری داشتند و ۱۲ ماه سال را بین دشتهای مغان و ییلاقات کوه سیلان در حرکت بودند. شاهسونان، اغلب از سیاست به دور بوده و به همین دلیل آلت اجرای مقاصد دیگران قرار می‌گرفتند و گرفتاریهای سختی برای مردم شهر، دولت و مملکت فراهم می‌کردند. (نغتنامه دهخدا، حرف ش، ص ۱۷۱).
- ۱۷- اردبیل در گذرگاه تاریخ، ص ۱۶۱.
- ۱۸- کسروی، احمد: تاریخ هجده ساله آذربایجان، ج ۱۰، امیرکبیر، تهران ۱۳۷۱، ص ۶۱۸؛ اردبیل در گذرگاه تاریخ، ص ۱۹۵.
- ۱۹- میرزاعلی اکبر پسر میرزا محسن مجتهد، از علمای بنام و ثروتمند اردبیل که به این دلیل به «قرنلی مجتهدی» (کسی که طلای زیادی دارد) شهرت یافت. میرزاعلی اکبر، پسر دوم از زن زنجانی اش بود. وی در نجف نزد ملا کاظم خراسانی و میرزای شیرازی تلمذ نمود و به عنوان پیشوای نعمتین اردبیل، سالها در شماره یک این شهر بود (بنگرید به: المائر والآثار، باب دهم ۱۱۲) کسروی نیز در تاریخ هجده ساله آذربایجان، او را با شیخ فضل الله و سید کاظم یزدی، در یک رده مقایسه کرده است.
- ۲۰- همان کتاب، ص ۱۶۱.
- ۲۱- تاریخ هجده ساله آذربایجان، صص ۶۸۸، ۶۸۹؛ اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج ۱، ص ۱۹۸.
- ۲۲- دولت آبادی، سیدعلی محمد: خاطرات، ج اول، انتشارات فردوسی، تهران ۱۳۶۲، ص ۱۹۸.
- ۲۳- تاریخ هجده ساله آذربایجان، ص ۶۸۹؛ اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج ۱، ص ۳۶۲.
- ۲۴- به واسطه آنکه در هیچ منبعی اعم از کتب تاریخ محلی و عمومی اسامی فوق‌الذکر دیده نشد، لاجرم نتها به آوردن نام ایشان به صورت کنونی بسنده شده است.
- ۲۵- تاریخ هجده ساله آذربایجان، ص ۶۹۴.
- ۲۶- مختار احمدزاده، از اعضای اصلی کمیته اصلی مجازات که به «قره مختار» معروف بود.
- ۲۷- سند نمره ۱، ۱۳۳۸۲۶، ۲۹۰ و ۲۹۰۸۷۳۸۲، آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- ۲۸- سند نمره ۳، ۱۲۳۸۲۷، ۲۹۰ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

سند

نشان شیر و خورشید - وزارت داخله - ایالت آذربایجان
به تاریخ ۱۵ برج اردی [بهشت] - ۱۳۰۴ تهران
نمره ۱۲۰۵

مقام منبع وزارت جلیله ی داخله - دامت شوکته

یکصد و سی نفر از طبقه ی ضعیف و فقرا ی شهر اردبیل - که در دارالمساکین خیریه ی آن جا اعاشه می شوند - صورت جمع و خرج آنها را از حکومت خواسته شده بود که در سراسر برج مرتباً بفرستند. اینک صورت برج حمل را - که فرستاده بودند - برای مزید استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم می دارد. ۲

کفیل ایالت - میقاتی [امضا]

[حاشیه ی یکم: اداره ی شمال ۲۴- ۱۳۰۴]

[حاشیه ی دوم: مهر ورود به کابینه ی وزارت داخله - [به] تاریخ ۲۶ ماه ثور ۱۳۰۴

[سند نمره ی ۳ و ۲۷/۳۸/۲۹۰ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ی ملی ایران]

۱- اصل: آن.

۲- اصل: تقدیم می شود.

عایدات صندوق دارالمساکین خیریه‌ی اردبیل در برج حمل ۱۳۰۴

توضیحات	جمع کل		قدر عواید		بابت چه	شرح	نمره قبوضات	تاریخ	
	د	ق	د	ق*				روز	برج
			۳۷۴	۵۰	۲۰۰۵/۵ بار	عایدات از جواز محمولات آرد	۱ " ۴۶۴	حمل	۱/۳۱
			۲۶۹	-	۱۳۴/۵	عایدات از جواز محمولات گندم	۳۱ " ۳۴۱	"	"
			۳۰	-	۱۵	عایدات از جواز محمولات جو	۸۱ " ۱۸۵	"	"
			۸	-	۴	عایدات از جواز محمولات حیوانات	۱۲۴ " ۲۴۳	"	"
			۱۷۰	-	۳۴	عایدات از جواز محمولات روغن	۱ " ۲۴	"	"
			۲۰	-	جرم	سید جلال الدین، مدیر قرائتخانه	۱	"	"
			۱۰۰	-	اعانه	آقا صادق نبی زاده توسط صداقت از بادکوبه	۲	"	۹
			۳۰	-	جهت مریضخانه	آقا محمد باقر	۳	"	۲۱
			۵۶۲	۵۰	اعانه‌ی مسافرین	اداره‌ی قلعه بیگی از نمره‌ی ۳۲ " ۵ دفتر فرمانده کل	۴	"	۳۱
			۷۵	-	یکماهه	مشهدی نصیر نبی زاده منافع پانصد تومان تنخواه نزول	۵	"	"
			۵۴	-	حاصل صندوق دارالمساکین	صندوق اعانه‌ی اتاق مدیریت	۶	"	"
			۱۸۲	-	۱۳۰ من	مشهدی صادق خباز قیمت نانی که از مصرف اصناف مانده	۷	"	"
			۴۳	۴۰	۳۱ من	خبازان "	۸	"	"
			۱۰۰	-	پس گرفته شده	مخارج ۱۵ روزه‌ی مسافرت امیر از آقای اربابزاده	-	"	"
			۴۵	-	گرفته شده	حقوق ۱۵ روزه‌ی مسافرت امیر از سید خلیل مستخدم	"	"	"
	۴۸۷۶	۱۵	۱۲	۷۵	یکماهه	حاصل دستمزد افراد اثاث و پشم ریسمان	"	"	"
			۴۸۷۶	۱۰	جمع	مخارج برج جاری موجب صورت محاسبه نمره‌ی ۲			
			۴۱۷۳	۷۵					
	۷۳۸	۴۰				باقی عواید، بعد از موضوع مخارج برج جاری مانده است.			
	۱۸۴۲۹	۸۵				موجودی صندوق در اول برج حمل به موجب صورت، نمره‌ی ۲۷ بود.			
	۱۱۹۱۶۸	۲۸							
						موجودی در اول برج ثور، مبلغ یکهزار و نهصد و شانزده تومان، هشت هزار و دویست و پنجاه مانده است. مدیر و محاسب؛ محل امضا؛ محل مهر هیئت خیریه‌ی اردبیل			

* د = دینار، ق = قران.

[سند نمره‌ی ۱۲/۳۸/۱-۲۹۰ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران]

حاشیه سند: سواد مطابق اصل است.

مخارجات دارالمساکین خیریه اردبیل در برج حمل ۱۳۰۳

نمره ردیف	شرح	قدر	قیمت		جمع کل	
			د	ق	د	ق
۱	[مخدوش ؟] معمولی	۴۰۰ من	-	مجانی		
۲	پنیر	۷ منی یک	۸۰	۷۷		
۳	گوشت گوسفند	۳۳ من	۲۰	۳۱۹		
۴	شیرجاموش [گاومیش]	۱۱۸ من	۲۰	۲۸۶		
۵	برنج رسمی برای شیر برنج	۳۶ منی یک	۷۵	۱۸۲		
۶	استاد رحیم شیربرنج و پلو	۲۶ دفعه	-	۵۳		
۷	دوشاب	منی یک	۳۰	۳		
۸	صدری وسط برای پلو	۱۲ من	-	۷۶		
۹	آلوچه مراغه	۴ من	۵۰	۱۸		
۱۰	قیصی [قیسی] و ذوغال	۲ من	-	۷		
۱۱	نمک	۴ من	۸۰	۴		
۱۲	سیب زمینی- پیاز	۱۰ من	۹۰	۱۴		
۱۳	نخود	۳ من	۵۰	۱۳		
۱۴	دوا خوردنی، مالیدنی به موجب نسخه های دکتر	۶ فقره	۴۰	۱۶۰		
۱۵	[؟]	۳۰ جعبه	-	۱۰		
۱۶	صابون یک چارک کل ۱ من	(۱ من یک)	۴۰	۷		
۱۷	استحمام، سرتراشی، کیسه کشی افراد ذکور و اناث	۱۱۰ نفر	۱۰	۳۴		
۱۸	کارتون (یکی ماشین دار)	۵ جلد	۵۰	۱۴		
۱۹	دوسیه	۳۰ ورقه	-	۳۰		
۲۰	اندیکاتور	جلد	۵۰	۸		
۲۱	چنگال، زنگ اخبار، ظرف و شیشه تزئینی	۱۲ فقره	۴۰	۱۳		
۲۲	دفترچه کاغذ ساده و خط دار، خشک کن	۱۱ فقره	۸۵	۱۲		
۲۳	توتون	یک ماهه	۸۵	۴		
۲۴	ذوغال	۷ من	۶۰	۸		
۲۵	جوهر	۳ پوط ۲۲ من و نیم	۹۰	۴۳		
۲۶	عیدیانه و فوق العاده برای افراد	۱۲۴ نفر	۶۰	۵۲		
۲۷	نجار و فعله برای تعمیر حوض و مریضخانه	۳۲ نفر	۵۰	۲۳		
۲۸	کج راهک " " "	۱۰۱ من	۲۰	۵۳		
۲۹	چاه میال ۶ رشته ۲۷ ذرع چوب برای چاه	۱۰ عدد	۱۰	۴۰		
۳۰	استکان نعلبکی زیر استکان [؟] قند چای		۲۰	۶۰		
	جمع		۲۵	۱۶۹۰		

نمره ردیف	شرح	قدر	قیمت		جمع کل	
			د	ق	د	ق
	جمع پاورقی جدول مقابله موجب شرح زیر		۲۵	۱۶۹۰		
۳۱	جعبه آن	۲ عدد	-	۵۰		
۳۲	طشت بزرگ و کوچک و دیگر (۳ عدد)	۱۰ منی ۳۶ مثقال	۲۵	۱۸۷		
۳۳	میز تحریر		-	۳۳		
۳۴	تخت خواب و پتو کلیه مریضخانه	۹ عدد	۵۰	۵۵		
۳۵	لوحه قبه بام و شیشه برای مریضخانه	۷ فقره	۲۰	۲۳		
۳۶	آفتابه آهن ۱۱ عدد و نر[دبان] بام ۳ عدد	۱۴ عدد	۹۰	۳۰		
۳۷	مقراض و فدوکاره برای فرش بافی	۹ قبضه	-	۶		
۳۸	چوب دنال برای دستگاه فرش بافی و مزد	۱۷ فقره	-	۵۳		
۳۹	حصیر تازه (۴ ذرعی)	۴۰ تخته	۵	۱۳۱		
۴۰	جهت مقاطعه یک ساله فانوس	۱۲ ماهه	-	۱۰		
۴۱	موقال [مقال] سمار	اتوپ	-	۶۰		
۴۲	مزد پنج ثوب پیراهن مریضخانه و ندافی کلکته	۳ من	-	۱۵		
۴۳	دستمزد به افراد اناث حصه از عایدات خودشان		۷۰	۷		
۴۴	جهت کفش مسروقه افراد به آقابالاقو شب ها را		-	۳		
۴۵	غفار سلمانی عنوان اعانه	یک ماهه	-	۴۵		
۴۶	مخابره تلغراف قیمت جراید و حقوق مدیر قرائتخانه		۱۰	۵۶۳		
۴۷	کرایه اسب میرخلیل مستخدم از خیریه اردبیل		-	۱۰		
۴۸	حقوق دکتر آخونداف و فرشین	یک ماهه	-	۱۸۰		
۴۹	فوق العاده قاسم آقا نظامی مفتش اجرایی	"	-	۴۵		
۵۰	حقوق معلمه افراد محصلات	"	-	۵۰		
۵۱	حقوق مدیر و مستخدمین	"	۸۰	۴۲۳		
۵۲	حقوق استاد رضا فرشباغ	۱۵ روزه	-	۶۰	۳۳۲	۷۵
	تنخواه و مصرف دستگاه فرشباغی					
۱	ریسمان تودار برای تاروپود فرش	منی	۴۰	۴۵		
۲	خامه پشم برای فرش خریدار چوخابی	۴ من	-	۲۰۰		
۳	رنگ رازی (رزی) خامه فرش	۶ من یک سقط	-	۱۲۰		
۴	پشم چرک و مزد ریسیدن و حمالی	۲ من	۶۰	۳۹	۴۰۵	-
	جمع دو فقره مخارج و مصارف				۴۱۳۷	۷۵

مبلغ چهار صد و سیزده تومان و هفت هزار و هفتصد و پنجاه دینار مخارج فوق می باشد. ۴۱۳۷۷۵ [به سیاق]

محل امضاء مدیر و محاسب- محل مهر هیئت خیریه اردبیل

[سند نمره ۱۲/۳۸/۲۶ و ۲۹۰ آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران]

حاشیه بالا: سواد مطابق اصل است.



وزارت داخله

ایالت آذربایجان

نمبر ۱۲۰۵

ضمیمه

بتاریخ شهر ۱۳ طرابلس
مطابق ۱۵ برج اردیبهشت ۱۳

مقام منبع وزارت صحت و بهداشت

یکصد و نوزده طبقه ضمیمه و تعداد شهرداری در دریا کنی خیر
دینا باشد ششم صورت صحیح و خرج کنی در حکومت نبوده بود
در دریا بر برج برتا نرسیده اینک صورت صحیح در ضمیمه
برای نرسیده بتعداد کل مبارک تقاضا نمود کیفیت

Handwritten signature and initials

اداره
۲/۲۴

۳۳۵
کابینه وزارت
۲۲۰۴

۹۴

صحة
صحة مدونة درمگانی غیر درویش در ربع مهر ۱۳۱۲

تاریخ	بج	برقیات	صحة	بیت م	مقدار		مجموع	توضیحات
					د	ق		
۱۳۱۲	مهر	۱۰۴۴۶	صحة درمگانی غیر درویش	۲۰۰	۳۱۷۳	۵۰		
			"		۲۶۹	-		
			"	۱۵	۴۰	-		
			"	۴	۸	-		
			"	۳۲	۱۷۰	-		
			"	مجموع	۲۰	-		
			"	۱۳۰	۱۰۰	-		
			"	مجموع	۳۰	-		
			"	۵۰	۵۶۲	-		
			"	۷۵	۷۵	-		
			"	۵۴	۵۴	-		
			"	۱۳۰	۱۸۲	-		
			"	۴۰	۴۳	-		
			"	-	۱۰۰	-		
			"	-	۴۵	-		
			"	۷۵	۱۲	-	۴۸۷۶	
			"	۱۰	۴۸۷۶	-		
			"	۷۵	۴۱۳۷	-		
			بقا عواید بعد از وضع صبح ۵۰ درمگانی		۷۳۸	۴۰		
			مجموع مدون در درویش هر ربع مهر ۱۳۱۲		۱۸۴۲۹	۱۵		
					۱۹۱۶۸	۲۵		
<p>مجموع در ربع مهر ۱۳۱۲ مع کل مدون در تمام اقسام و اقسامات در تمام اقسامات</p> <p>۴۸۷۶</p>								

مخارجات مدرسه کمالیه خدیجه در دوم و سیم و چهارم ۱۳۰۴

ردیف	شرح	قیمت		شرح	قیمت		مجموع
		د	ق		د	ق	
۱	کتاب حساب	۲۰	۲۰	مجموع اولی و ثانی و سالیانه	۲۰	۲۰	۱۹۹۰
۲	کتاب حساب	۸۰	۷۷	کتاب حساب	۸۰	۷۷	۵۰
۳	کتاب حساب	۲۰	۳۱۹	کتاب حساب	۲۰	۳۱۹	۱۸۷
۴	کتاب حساب	۲۰	۲۸۶	کتاب حساب	۲۰	۲۸۶	۳۳
۵	کتاب حساب	۷۵	۱۸۲	کتاب حساب	۷۵	۱۸۲	۵۵
۶	کتاب حساب	۲۰	۵۳	کتاب حساب	۲۰	۵۳	۲۳
۷	کتاب حساب	۳۰	۳۰	کتاب حساب	۳۰	۳۰	۳۰
۸	کتاب حساب	۷۶	۷۶	کتاب حساب	۷۶	۷۶	۶
۹	کتاب حساب	۵۰	۱۸	کتاب حساب	۵۰	۱۸	۵۳
۱۰	کتاب حساب	۲۲	۷	کتاب حساب	۲۲	۷	۱۳۱
۱۱	کتاب حساب	۸۰	۴	کتاب حساب	۸۰	۴	۱۰
۱۲	کتاب حساب	۹۰	۱۴	کتاب حساب	۹۰	۱۴	۹۰
۱۳	کتاب حساب	۵۰	۱۳	کتاب حساب	۵۰	۱۳	۱۵
۱۴	کتاب حساب	۴۰	۱۶۰	کتاب حساب	۴۰	۱۶۰	۷۰
۱۵	کتاب حساب	۱۵	۱۵	کتاب حساب	۱۵	۱۵	۳
۱۶	کتاب حساب	۴۰	۷	کتاب حساب	۴۰	۷	۴۵
۱۷	کتاب حساب	۱۰	۳۳	کتاب حساب	۱۰	۳۳	۵۶۳
۱۸	کتاب حساب	۵۰	۱۴	کتاب حساب	۵۰	۱۴	۱۰
۱۹	کتاب حساب	۳۰	۴۰	کتاب حساب	۳۰	۴۰	۱۸۰
۲۰	کتاب حساب	۵۰	۸	کتاب حساب	۵۰	۸	۴۵
۲۱	کتاب حساب	۲۰	۱۴	کتاب حساب	۲۰	۱۴	۳۰
۲۲	کتاب حساب	۱۵	۱۲	کتاب حساب	۱۵	۱۲	۴۲۳
۲۳	کتاب حساب	۲۰	۴	کتاب حساب	۲۰	۴	۳۷۳۲
۲۴	کتاب حساب	۶۰	۸	کتاب حساب	۶۰	۸	۷۵
۲۵	کتاب حساب	۹۰	۲۳	کتاب حساب	۹۰	۲۳	۱۵
۲۶	کتاب حساب	۶۰	۵۲	کتاب حساب	۶۰	۵۲	۴۵
۲۷	کتاب حساب	۵۰	۲۳	کتاب حساب	۵۰	۲۳	۲۰۰
۲۸	کتاب حساب	۳۰	۵۳	کتاب حساب	۳۰	۵۳	۱۴۰
۲۹	کتاب حساب	۱۰	۴۰	کتاب حساب	۱۰	۴۰	۴۰۵
۳۰	کتاب حساب	۲۰	۶۰	کتاب حساب	۲۰	۶۰	۴۱۳۷
مجموع		۱۶۹۰	۲۰	مجموع		۱۶۹۰	۲۰